

# اسرار صحرای نازکا

بشر امروز بواقع موجود مغروری است. دچار این توهم است که گویا همه چیزها را می داند و گذشتگان از شناختی چون او ناکام مانده اند. برترین اثر این توهم آنست که نمی گذارد، بشر امروز به این نکته ساده توجه کند که انسان در هر دوره ای به موضوع خاصی توجه می کرد. به همین دلیل در هر دوره آگاهی های خاصی نسبت به ادوار دیگر بیشتر بوده است. در میان این موارد می توان به هنر و فن معماری، نقاشی، و علوم نجوم و ریاضیات توجه کرد. بنابراین نسبت چنین آگاهی هایی را به موجودیت موهومی از آن سوی زمین پیوند زنیم. با این حال برای گروهی اینکه گروهی دیگر با یک بشقاب پرنده بیابند و چیزی از خود بگذارند و بروند بسیار جذاب است. برای آنکه این جذابیت را بی پاسخ نگذاریم گزارش زیر را تهیه کرده ایم. در این گزارش به یک نمونه جالب از این موارد که مربوط به تصاویر صحرای نازکا واقع در آمریکای جنوبی است می پردازیم. این صحرا که بویژه یکی از مراکز توریستی جهان می باشد در دشت پرو واقع شده است.

## اولین اقدامات

طبق آزمایش های انجام شده سابقه خطوطی که در دشتی وسیع ترسیم شده اند، به سال های ۴۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد می رسند. آنها را به تمدن "نازاکای" در آمریکای جنوبی نسبت داده اند. این خطوط در مجموع سطحی معادل ۴۵۰ کیلومتر مربع را در بر می گیرد. آنها در مجموع تصاویری به اشکال مختلف پدید آورده اند. نسبت های دقیق هندسی این خطوط نشان از محاسباتی جدی را دارند، به هیچ وجه امکان پذیر نیست که کس یا کسانی بدون استفاده از وسائل خاص، آن هم از روی زمین به چنین محاسبات عظیمی دست بزنند. راه انجام محاسبات باید چنین باشد که شخصی از ارتفاعی حدود پنج کیلومتری به افرادی در زمین دستور دهد، تا خطوط را حک کنند. حال در دو هزار سال پیش تر چگونه در سرزمینی مسطح که کوه و تپه ای هم در اطراف آن وجود نداشته!! کسی توانسته است به ارتفاع پنج کیلومتری پرواز کند و دستور چگونگی حک خطوط را به افرادی در روی زمین بدهد؟! معمای است که هنوز پاسخی به آن داده نشده!! فقدان پاسخ مذکور باعث شده تا گروهی این نظر را ابراز دارند که تمدن پیشرفته از خارج از زمین آمده و این کارها را کرده است.

در یک عصر آفتابی در سال ۱۹۶۱ دو محقق آمریکایی در حال کاوش در فلات "نازکا" واقع در جنوب کشور پرو بودند. آنان خطوط اسرارآمیز عظیمی را مطالعه می کردند که در مسافت های طولانی بر روی زمین نقش بسته بود. در میان بیابان صدها خط متقاطع در جهات مختلف کشیده شده بود. بعضی از این خطوط که به جاده های "اینکاها" معروف شده اند، از یک نقطه مرکزی شروع شده و مانند انفجار ستارگان به هر طرف پراکنده شده اند، از جمله اشکال دیگر، سه گوش های دراز و دودنقه هایی به شکل باند فرودگاه هستند.

"پائول کوزوک" مورخ و همسرش که برای مطالعه سیستم های آبیاری باستانی به این صحرا رفته بودند، با خطوط عجیبی در بیابان نازکا روبرو شدند. این خطوط توجهشان را جلب کرد، آنها بر آن شدند تا با کامیونشان یکی از این خطوط را دنبال کنند. پس از طی طریق سرانجام به کنار یک شیب تند در فلات مذکور رسیدند، آنها

وسط یک شبکه خطوطی قرار داشتند که چون شعاع های خورشید از یکدیگر دور می شدند. بعدها ما علاوه بر آنها خطوط زیادی پیدا کردیم، با اشکالی نظیر راست گوشه و دودنقه. از همه عجیب تر آنکه چسبیده به یکی از راست گوشه ها و نزدیک به مرکز آن باقیمانده محو شده یک نقاشی عظیم و نامفهوم را کشف کردیم. سرانجام در حالی که سرمان از سئوال های بیشماری به دوران افتاده بود، برای دیدن غروب باشکوه به مرکز شبکه خورشیدی بازگشتیم و در حالیکه مشغول تماشای پایین رفتن خورشید در افق بودیم، ناگهان متوجه شدیم که شعاع خورشید، درست بر روی یکی از خطوط طولانی منفرد قرار گرفته است. لحظه ای بعد بیاد آوردیم که آن روز ۲۲ ژوئن، روز شروع زمستان و کوتاهترین روز سال است.

۲۲ ژوئن روزی است که خورشید در دورترین نقطه شمال غرب، غروب می کند، در حالی که آیا واقعا اینطور بود؟! از هیجان می لرزیدیم به طور تصادفی کلید حل معما را پیدا کرده بودیم با مشاهده این تقارن نتیجه گرفتیم که خطوط نازکا راهنمای بزرگی برای حرکت کواکب بوده است. "سرجی نورمن لاکر" در مطالعاتش درباره ی "استون هنج" در انگلیس به همین نکته در کتابش اشاره کرده است. به زودی تئوری "پائول کوزوک" مورد بحث قرار گرفت و به سرعت در میان عقاید و آراء دیگر درباره منشأ اصلی این نقاشی های پرویی، جایگاهی ویژه پیدا کرد. باستان شناسان به تدریج اشکال دیگری در صحراها و بر روی تپه ها پیدا کردند. از جمله تصویریک عتکبوت بزرگ، مرغ مگس خوار و انسانی جغدگونه چشم انداز وسیعی از "ماریا ریچی" را اشغال کرده بودند. این اشکال پیام هایی در بر داشته اند که در طول تاریخ فراموش شده اند.

اگر چه اشکال صحرای نازکا تماشایی ترین اشکال روی زمین هستند، ولی منحصر به فرد نیستند. در کنار پیکره ها اشکال مارها، پرندگان و انسان هایی که در جنوب غربی آمریکا وجود دارند، معماری مرموز سازندگان خاکریزهای جنوبی و میانی ایالات متحده آمریکا را هم باید اضافه نمود. در ناحیه جنوب غربی انگلیس تصاویری از انسانها و اسبها وجود دارد که اصل و منشأ آنها به دوره ماقبل تاریخ باز می گردد. به هر حال ویژگی مهم جنبه معماری این خاکریزها آن است که به طور





این اشکال در مساحتی به اندازه ۸۰۰ کیلومتر مربع منطقه لم بزرع بین شیب غربی کوه‌های آند و کرانه‌های پرو پراکنده شده اند. این اشکال جایی قرار دارند که در هم آمیختگی شرایط زمین و آب و هوا برای هنرمندان نازکا شرایط کاملا مساعدی را فراهم کرده بود.



هزاران تکه سرامیک رنگارنگ که بیشترشان متعلق است به تمدن "نازکا" بین سالهای ۴۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد، در تمامی دشت "نازکا" پراکنده شده است. این بقایای سرامیک و خطوط تنها آثار باقیمانده ساکنان صحرا است. "مازیاریچی" ریاضیدان مجذوب این نظریه شد که "نازکاها" در طرح و ساخت خطوط از اصول زمین‌شناسی استفاده کرده‌اند. او دریافت بعضی از خطوط که چند کیلومتر طول دارند، بدون کوچکترین انحرافی از مسیر مستقیم خود از تپه‌های کوچک و کاریزها عبور کرده‌اند



شناسایی کنند. آثار هنری پیدا شده در نزدیکی خطوط نازکا به زمانی از عمر منطقه اشاره می‌کند که تمدن سرخپوستان نازکا بر این منطقه مسلط شده بود. آنها از ساکنان اولیه کرانه‌های پرو بودند و به نظر می‌رسد تمدن پیچیده‌ای داشته و قبل از امپراطوری اینکاها می‌زیسته‌اند، اطلاعات زیادی درباره آنها نداریم تنها می‌دانیم که به وسیله سیستم‌های آبیاری جالبی کشاورزی می‌کردند و زندگی را می‌گذراندند. آنها سازندگان اهرام نیز بودند (اهرام تتوتی هاگان واقع در مکزیک) و کوزه‌های جالب از آنها باقی مانده است. به‌علاوه منسوجات بسیار جالبی نیز خلق کردند. هزاران تک سرامیک رنگارنگ که بیشترشان متعلق است به تمدن "نازکا" بین سالهای ۴۰۰ تا ۶۰۰ قبل از میلاد، در تمامی دشت "نازکا" پراکنده شده است. این بقایای سرامیک و خطوط تنها آثار باقیمانده ساکنان صحرا است. "مازیاریچی" ریاضیدان مجذوب این نظریه شد که "نازکاها" در طرح و ساخت خطوط از اصول زمین‌شناسی استفاده کرده‌اند. او دریافت بعضی از خطوط که چند کیلومتر طول دارند، بدون کوچکترین انحرافی از مسیر مستقیم خود از تپه‌های کوچک و کاریزها عبور کرده‌اند. آنها با قوانین ویژه ریاضی محاسبه شده و سپس ترسیم شده‌اند. در "نازکا" تصاویری مثلث شکل با چیدمان عجیب به چشم می‌خورد، این اشکال تا امروز اسراری باورنکردنی را در خود جای داده است. چنین به نظر می‌رسد که ساکنین گذشته نازکا قبل از آنکه "فیناگورس" و "تالس" از زاویه‌ها و محاسبات آن سخن بگویند، این محاسبات را می‌دانستند! سرخپوستان ابتدا طرح‌هایشان را در ابعاد کوچک در نقطه‌ای می‌کشیدند، سپس آنرا در اندازه‌های بزرگتر پیاده می‌کردند. افراد بسیاری در صحرای "نازکا" فعالیت کردند و تئوری‌های مختلفی را ارائه دادند، با این حال جنجالی‌ترین نظر در باب آنها را "اریک فن دانیکن" ارائه کرده است. وی صاحب کتاب ابراه خدایان است که در ایران نیز ترجمه و چاپ شده است "نازکا" محل فرود و برخاستن سفینه‌های افراد هوشمند از سایر کرات دیگر می‌باشد!! او در یکی از سخنرانی‌های خود فریاد زد: آیا باندهای فرود را نمی‌بینید؟ آیا اشکال دقیق هندسی را نمی‌توانید مشاهده کنید؟ یک نگاه به پرنده‌ی آتشین نازکا بیاندازید. از صدها مهندس ارسیتکت شاید یک نفر هم نتواند رتیل نازکا را رسم کند.

کامل از سطح زمین قابل تشخیص نیستند! این معما که این تصاویر خاکی و سنگی چرا ساخته شده‌اند و چه کسی آنها را ساخته، قرن‌ها است که باستان شناسان را به خود مشغول کرده است! در هر صورت هیچکدام از این تصاویر به اندازه تصاویر نازکا توجه علاقه‌مندان اینگونه اشکال را برنمی‌تابند. از دوره پائول کوزوک تا به حال، باستان شناسان صدها خط که بعضی از آنها حدود ۸ کیلومتر طول دارند و اشکالی شامل ۱۸ پرنده که بین ۲۷ تا ۲۵۰ متر طول داشته‌اند را نقش برداری کرده‌اند. این اشکال در مساحتی به اندازه ۸۰۰ کیلومتر مربع منطقه لم بزرع بین شیب غربی کوه‌های آند و کرانه‌های پرو پراکنده شده اند. این اشکال جایی قرار دارند که در هم آمیختگی شرایط زمین و آب و هوا برای هنرمندان نازکا شرایط کاملا مساعدی را فراهم کرده بود. سطح صحرا از شن‌های زرد رنگ و خاک رس پوشیده شده است و لایه‌ای از سنگ‌های آتشفشانی و ریگ‌های سیاه در زیر آن قرار دارد. این خطوط بر روی این به اصطلاح تخته سیاه افقی، از خراشیدن لایه سطحی که در نتیجه آن لایه زیرین آشکار شده به‌وجود آمده است. اگر این خطوط در شرایط جوی دیگری قرار گرفته بود، فرسایش در عرض چند ماه خطوط را از بین می‌برد. اما صحرا علاوه بر خس و خاشاکش دارای ویژگی‌های دیگری نیز هست این صحرا یکی از خشکترین نواحی کره زمین است. میانگین باران سالانه اش به ۵ سانتیمتر می‌رسد، علاوه بر آن فرسایش باد هم در این نقطه در حداقل ممکن خود در این شرایط قرار دارد. وجود گرمای ثابت و لایه کم تحرک هوا، حداقل فرسایش را بوجود می‌آورد. سنگ‌های سیاه انرژی خورشید را جذب نموده و آنرا پس میدهند. در این صحرا کم بودن پوشش گیاهی و سخت بودن سطح خاک تا حدی است که محققین آنرا با سطح مریخ مقایسه کردند.

پائول کوزوک در گردش کوتاه خود در منطقه مذکور متقاعد شد که خطوط موجود در آن ممکن است بخشی از رصدخانه‌ای باشد که در این منطقه برای ثبت علائم آسمانی ساخته شده است. این تصور به ساکنان صحرا این اجازه را داد که زمان وقوع دوباره طغیان رودخانه را حدس بزنند و زمان کاشت و برداشت محصول را